

یادی از دکتر علی شیخ الاسلامی

منصور پهلوان*

پس از دکتر حسین علی محفوظ که دوازده سال پیش از این به سرای باقی شتافت، یکی دیگر از اعضای دانشمند هیأت تحریریۀ فصلنامه سفینه - دکتر علی شیخ الاسلامی - ما را سوگوار کرد و به دیدار حضرت دوست رخت بربست. درگذشت این روحانی والاقدر را به همکاران، دوستان، شاگردان و خانواده آن مرحوم تسلیت می‌گوییم و برای آن استاد گرانمایه رحمت و مغفرت الهی و همجواری مولی الموالی علی علیه السلام را آرزو مندیم. در زیر گذری بر زندگی سراسر افتخار وی می‌افکنیم.

۱. آیت الله دکتر علی شیخ الاسلامی عالم ربانی، مفسر قرآن کریم و اسوه اخلاق و چهره ماندگار ادبیات فارسی در سال ۱۳۱۵ در اصطهبانات استان فارس به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همانجا به انجام رساند و در رشته ادبی دیپلم گرفت.

۲. دوره لیسانس را در دانشگاه شیراز و دکتری را در دانشگاه تهران با موفقیت سپری کرد و در سال ۱۳۴۹ از رساله دکتری خود که با راهنمایی استاد دکتر حسن مینوچهر نگاشته بود، دفاع کرد.

۳. تحصیلات حوزوی خود را در اصطهبان آغاز کرد و نزد پدر، میرزا ابوالقاسم، معروف به علامه و دایی، میرزا محمد مؤید الاسلام وعمو، میرزا محمد هادی فخر المحققین کسب فیض کرد. در شیراز نیز تحت تأثیر شخصیت و اخلاق آیت الله حاج شیخ بهاءالدین محلاتی بود و از درس آیت الله مؤمن و میرزا محمدعلی حکیم شیرازی - صاحب لطائف

العرفان - بهره برد.

۴. در سال ۱۳۵۰ به عنوان استاد در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران استخدام شد و متکفل دروسی همچون شرح غزلیات حافظ، شرح مصباح الهدایه، شرح صحیفه سجادیه و درس مبانی عرفانی بود. او با قرآن و حافظ مأنوس بود و در دروس خود به آیات قرآنی و اشعار عرفانی استناد می‌جست. استاد تا سال ۱۳۸۷ که بازنشسته شد، به تدریس و تعلیم و راهنمایی صدها تن از دانشجویان و پژوهشگران پرداخت. از جمله شاگردان او می‌توان از قیصر امین‌پور نام برد که استاد راهنمای رساله دکتری او بود.

۵. خدمات او در مدیریت دانشگاه‌ها نیز چشم‌گیر است. او از مؤسسين دانشگاه علامه طباطبایی بود. اداره این دانشگاه که در سال ۱۳۶۳ از تجميع ۲۷ آموزشگاه و مدرسه عالی همچون مدرسه عالی پارس و مدرسه عالی بازرگانی و مدرسه عالی ترجمه ... به وجود آمده بود، واقعاً کاری دشوار بود و او که اولین رئیس این دانشگاه بود به نحو احسن آن را اداره کرد. بعد از آن نیز ده سال ریاست دانشگاه تربیت معلم یا دانشگاه خوارزمی را عهده‌دار بود. در دانشگاه تهران نیز قریب پانزده سال ریاست دانشکده ادبیات و مدیریت گروه زبان و ادب فارسی را عهده‌دار بود و همه دانشگاهیان، از استاد و کارمند و دانشجو از ایشان به نیکی یاد می‌کنند.

۶. دکتر شیخ الاسلامی سال‌های طولانی امام راتب مسجد دانشگاه تهران بود و پس از انجام فریضه نماز، دانشجویان را به حدیث کوتاهی از معصومان علیهم‌السلام مهمان می‌کرد و آنان را به داشتن اخلاق حسنه راهنما بود. او اهل جار و جنجال نبود و روش اعتدالی دینداران واقعی را به نمازگزاران تعلیم می‌داد.

۷. آثار تألیفی استاد که شامل چندین کتاب و مقاله است بر محور دو موضوع است: قرآن و عرفان.

او با قرآن و نهج البلاغه و صحیفه سجادیه ارتباطی وثیق داشت و به تفاسیر قرآن کریم و احادیث ائمه معصومان علیهم‌السلام فراوان مراجعه می‌کرد، البته به لسان الغیب هم ارادت داشت و فراوان به آن استشهاد می‌کرد.

در موضوع نخست می‌توان از کتاب‌های زیر نام برد:

الف: ترجمه جلد چهارم کتاب الغدير علامه امینی که کتابی استوار در اثبات ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام است.

ب: ترجمه کتاب نویسنده شهیر هاشم معروف الحسینی که با نام "سيرة الائمة الاثني عشر" منتشر شده و ترجمه فارسی آن "امیران ایمان" نام دارد.

جلد اول آن در زندگی نامه خدیجه کبری و فاطمه زهرا علیهما السلام است و جلد دوم به زندگی نامه امام علی علیه السلام اختصاص یافته است.

اما در موضوع دوم نیز چند کتاب از او منتشر شده است:

الف: شرح اسماء الحسنی تألیف حاج ملاهادی سبزواری

ب: شرح منازل السائرین تألیف خواجه عبدالله انصاری که با نام «راه و رسم منزل‌ها» در دو جلد منتشر شده است.

ج: خیال، مثال و جمال در عرفان اسلامی که حاصل درس‌های او در فرهنگستان هنر است.

۸. دکتر شیخ الاسلامی غیر از تدریسی که در دانشگاه‌های مختلف داشتند، جلسات هفتگی علمی و پر باری هم داشتند که به صورت مرتب، هر کدام برای سال‌های متمادی برگزار شده است. مثلاً یک جلسه هفتگی بسیار مفصل با جمعی از پزشکان و روانپزشکان داشتند که بیش از ۲۰ سال به طول انجامید، جلسه هفتگی دیگری با مجموعه‌ای از مهندسان و اصحاب علوم ریاضی و فنی داشتند که تا پیش از فراگیری کرونا هم ادامه داشت، جلسات هفتگی تفسیر قرآن را برای بانوان هر هفته یکشنبه‌ها برگزار می‌کردند و خانم‌های فاضله‌ای که عموماً فارغ التحصیل دانشگاه‌ها بودند از تدریس ایشان بهره‌مند می‌شدند.

۹. استاد غیر از مدارج علمی به حسن اخلاق و داشتن ملکات فاضله اخلاقی متصف بود، به نحوی که دوستانش او را اسوه و الگوی اخلاق نامیده بودند. مهربان، خلیق، متواضع، آرام، خنده‌رو و کوشا در برآوردن خواسته‌ها و حوائج دیگران. او هیچگاه دست ردّ به سینه پرسشگر نمی‌زد و به مولایش امام زین العابدین علیه السلام اقتدا کرده بود که فرزددق در وصف او سروده بود:

ما قال لا قطّ الآ فی تشهده لو لا التشهد کانت لاء نعم

۱۰. استاد در اعتقادات، عمیقاً ولایی بود و به ائمه معصومین علیهم السلام عشق می ورزید. از امام علی علیه السلام بسیار یاد می کرد و به کلمات آن جناب مکرر استناد می جست، در ماه محرم لباس سیاه بر تن می کرد و بر منبر از مصائب آل الله می گفت و در منزلش در نارمک مجالس وعظ و روضه خوانی برپا بود. از حجت خدا در میان خلق فراوان یاد می کرد و معانی حقیقی "امام زمان" و "ولی عصر" و "صاحب الزمان" را برای دانشجویان توضیح می داد که کمتر، از این معانی بلند یاد می شود.

این نکته را نیز بگویم که استاد کلمات عرفا و فلاسفه را در عرض کلمات ائمه علیهم السلام نمی دانست، بلکه می گفت: اگر کلمات آنها در ذیل فرمایش آن ذوات مقدسه باشد، می توان از آن سخنان بهره برد. به عنوان مثال می گفت: امام علی علیه السلام در عباراتی در حدود نیم صفحه از "سر حقیقت" به کمیل بن زیاد می گوید و ملا عبدالله زنوزی در حدود سیصد صفحه در شرح فرمایش امام تحت عنوان "انوار جلیه فی شرح حدیث الحقیقه" می نویسد، و در کمتر کتاب عرفانی است که و لو به نقل جمله ای از جملات حضرت در حدیث حقیقت نپرداخته باشد.

۱۱. با نهادهای دینی غیر دولتی هم همکاری داشت، چنانکه با مرحوم حاج شیخ عباسعلی اسلامی، مؤسس جامعه تعلیمات اسلامی در ایجاد کتابخانه بزرگ اسلامی مشارکت داشت. پس از درگذشت ایشان نیز در هیأت امنای بنیاد بعثت عضویت یافت و در جلسات علمی گزینش کتاب های دینی ارزنده آن بنیاد شرکت می کرد و دو کتاب ارزنده یعنی ترجمه جلد چهارم الغدیر و کتاب امیران ایمان وی در دو جلد در همان بنیاد بعثت انتشار یافت.

۱۲. مرحوم استاد دکتر شیخ الاسلامی با وجود تمامی اشتغالات علمی و دانشگاهی دعوت ما را برای عضویت در هیأت تحریریه فصلنامه سفینه پذیرفتند و از سال ۱۳۸۲ تا کنون که هفتاد شماره از این نشریه تخصصی قرآن و حدیث منتشر شده است، همواره از حمایت ها و آرای گرانقدر شان برخوردار بوده ایم. خداوند او را مشمول الطاف خود قرار دهد و با اولیای کرامش محشور بگرداند. بته و کرمه.